



نسبت خطبه فدکیه به نهج البلاغه مانند نسبت سوره حمد به کل قرآن کریم است، خطبه فدکیه دیباچه نهج البلاغه است

حریم

## بررسی جایگاه معرفتی حضرت صدیقه طاهره با نگاه به خطبه فدکیه دیباچه‌ای برای نهج البلاغه

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد



بسیاری از میراث معرفتی و حکمی حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها به دلیل محدودیت‌های بسیار و ممانعت‌های فراوان و دسیسه‌های زیادی که صورت گرفت تا تعالیم امامان معصوم علیهم السلام به ویژه تعلیمات قدسی حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها از میان برود و اشاعه پیدا نکند و سن کم و عمر کوتاه ایشان که مجالی برای ابراز و فرصت صدور تعالیم را نداشتند، مکتوم ماند و فراچنگ ما نیامد.

همچنین به دلیل پاره‌ای از رسوم جاهلی، در دوران حیات ایشان مقاومت می‌شد مقابل اینکه یک زن به مقام مرجعیت علمی دست پیدا کند و خود ایشان نیز حریم امامت را نگاه می‌داشتند و در عرصه جامعه حضور پررنگ نداشتند.

درباره قرآن کریم و کلماتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله صادر شده، ظروف تاریخی و اجتماعی را در نظر می‌گیریم و پیشینه و سابقه پیامبر صلی الله علیه و آله را بررسی می‌کنیم؛ ایشان فردی است که مکتب نرفته، خط ننوخته و استادی را درک نکرده

است پس چگونه می‌تواند قرآن با این عظمت را بیاورد. پس نتیجه می‌گیریم که قرآن و حیاتی است و از انسان این همه معارف عمیق ساخته نیست. اگر اوضاع زمان حیات حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها را که مقارن با زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله است ملاحظه کنیم و شرایط سنی ایشان را در نظر بگیریم، باید اذعان کنیم صدور چنین معارف بلندی از ایشان نمی‌تواند منشاء مادی، تعلیماتی و دنیوی داشته باشد.

حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها انسان کامل بوده‌اند. انسان کامل انسانی است که آنچه حق تعالی در مقام خلقت انسان منظور داشته و استعدادها و ظرفیت‌هایی که در وجود انسان تعبیه کرده است، به فعلیت برساند. نقضی در ایشان راه نداشته

است. این یعنی کمال مطلق و همان مرتبه خلیفه الهی، وقتی می‌گوییم انسان خلیفه الله است یعنی جانشین خدا و خداگونه است، بین او و خدا نسبت و شباهتی وجود دارد. انسان هر چه در شأن عبداللهی بودن موفق تر باشد، در احراز مرتبه خلیفه الهی موفق تر و به فعلیت نزدیک تر است.

حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها معصوم است، معصوم کسی است که در عمل و نظر خطا نمی‌کند، پس باید آنچه او به عنوان معرفت و حکمت القاء می‌کند، بی‌خطا و بی‌لغزش باشد. مرتبه عصمت در معرفت نقش دارد، منشاء حکیمانه بودن رفتار و گفتار می‌تواند عصمت

باشد و خود عصمت سرچشمه معرفت است. نکته دیگری که در تحلیل شخصیت حضرت

زهرا سلام‌الله‌علیها می‌توان مطرح کرد؛ اصالت خانوادگی ایشان است. ایشان فرزند پیامبر هستند و طبق روایات سلسله نسبی‌شان تا حضرت آدم شناخته شده است. براساس برخی از اسناد ما معصومان را اشخاصی می‌دانیم که در رحم‌های پاک پدید آمده و در دامن‌های پاک پرورش یافته‌اند. اصولاً عنصری که در بستر خانوادگی کریم، فخیم و

اصیل، زاده می‌شود، رشد می‌کند و تربیت می‌یابد خود به خود دارای یک سری شایستگی‌ها می‌شود.

تربیت نبوی یکی دیگر از عوامل موثر در معرفت و حکمت حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها است، این بزرگوار پرورده دامن نبوت است و طبعاً کسی که مربی خوبی داشته باشد، مربی خوبی خواهد بود، کمالاتی که ملازمت ایشان در اوقات نزول وحی نیز بسیار موثر بوده است، همان‌طور که امیرالمومنین علیه‌السلام در تمام لحظات نزول وحی همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بود و آنچه نازل می‌شد، می‌شنید و تنها فرشته وحی را نمی‌دیده است. حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها هم همین‌طور است. برخورداری از علم لدنی از دیگر عوامل موثر در حکمت و معرفت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها است.

علم لدنی دانش درون خیز است، خداوند از درون انسان‌های برخوردار از شایستگی، سرچشمه‌هایی از معرفت را می‌جوشاند.

مقام محدث بودن حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها از شئونی است که آن حضرت از آن برخوردار بودند. ایشان دریافت وحی می‌کردند اما نه وحی تشریحی چون وحی تشریحی بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله قطع شد. مصحف فاطمه سلام‌الله‌علیها محصول همین وحی هاست که از سوی خداوند متعال نازل شده است و اگر این گونه نبود، این قدر ارزش نمی‌یافت که امامان علیهم السلام دست به دست این سند را حفظ و بسیاری از معارف را و حقایق را از آن نقل کنند. یکی از برجسته‌ترین میراث معرفتی بازمانده از حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها خطبه فدکیه است، تردیدی نیست که این خطبه متناسب به ایشان است اما در همان زمان که خطبه صادر شد، اعجاب همه را برانگیخت و برخی گفتند گویی پیامبر صلی الله علیه و آله با همان فصاحت و بلاغت سخن می‌گوید.

خطبه فدکیه یک ربع قرن قبل از نهج البلاغه ایراد شده و این نشان از عمق، عظمت و اهمیت خطبه فدکیه دارد، این خطبه کوتاه، دنیایی از معارف است و عمده مطالبی که در نهج البلاغه آمده، در خطبه فدکیه یافت می‌شود. از نظر مباحث فلسفی دینی، فلسفه تکوینی، مباحث الهیاتی، کلام، در حوزه اندیشه سیاسی، مباحث اجتماعی، مباحث قرآنی، شأن قرآن و برخی نکات تاریخی.

برخی از حوادث دوران بعثت و عصر نزول وحی و حوادث تاریخی دوران رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در خطبه فدکیه دیده می‌شود. درباره فلسفه امامت، فلسفه شریعت و فلسفه علل الشرایع درباره احکام، اعمال و مناسک دینی نیز مطالبی در خطبه فدکیه بازگو شده است، بنابراین وقتی انسان مراجعه می‌کند، می‌بیند این متن کوتاه و فشرده، اقیانوسی از معارف است و به عبارتی دیگر نهج البلاغه کوچک است. نسبت خطبه فدکیه به نهج البلاغه مانند نسبت سوره حمد به کل قرآن کریم است، خطبه فدکیه دیباچه نهج البلاغه است و جای تأسف دارد که قرآن کریم، نهج البلاغه و خطبه فدکیه مهجور هستند.

وقتی انسان مراجعه می‌کند، می‌بیند این متن کوتاه و فشرده، اقیانوسی از معارف است و به عبارتی دیگر نهج البلاغه کوچک است